

خلاصه بحث

در مورد تعداد رکعات نمازهای نافله قبلایان بیان کردیم که نوافل بالذات سی و سه رکعت هستند، ولی وتیره نیز به دو حکمت به نوافل ملحق شده است، بنابراین نوافل سی و چهار رکعت می شوند.

درباره کیفیت اقامه نماز وتیره نصوص مشهوره ای داریم که می گویند نشسته خوانده می شود، ولی روایتی هم داریم که ایستاده خواندن را جایز می داند، بنابراین قائل به تأخیر می شویم.

وقت نافله صبح بر اساس روایات، قبل از فجر کاذب است. ولی برخی از روایات، گفته اند که قبل از فجر صادق است، و برخی نیز گفته اند که بعد از فجر صادق خوانده می شود. که این روایات را توجیه می کنیم.

تعداد رکعات نمازهای نافله

قبلا بحث کردیم و گفتیم که طبق قول مشهور تعداد رکعات نمازهای نافله سی و چهار رکعت است که با هفده رکعت نمازهای واجب، در مجموع پنجاه و یک رکعت می شوند. ولی در معتبره سلیمان اینگونه آمده بود که وتیره را نباید از نوافل حساب کرد و تعداد رکعات نوافل را سی و سه رکعت و مجموع نمازهای واجب و نافله را پنجاه رکعت بیان کرده بود.

ما گفتیم که فقط همین یک روایت را داریم و آنرا توجیه کردیم و گفتیم که وتیره اولاً و بالذات جزو نوافل نبوده و نوافل سی و سه رکعت بوده اند، ولی وتیره نیز به دو حکمتی که در روایات آمده بود به نوافل ملحق شده است، و با این بیان بین روایات جمع کردیم.

الان روایت معتبر دیگری پیدا کردیم که صحیحه معاویه بن عمار است و از نظر دلالت، مانند معتبره سلیمان است.

صحیحه معاویه بن عمار

مُحَمَّدُ بْنُ يَعْقُوبَ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ يَحْيَى عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدٍ بْنِ عِيسَى عَنْ عَلِيِّ بْنِ النُّعْمَانِ عَنْ مُعَاوِيَةَ بْنِ عَمَّارٍ قَالَ سَمِعْتُ أَبَا عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ يَقُولُ «كَانَ فِي وَصِيَّةِ النَّبِيِّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ لِعَلِيِّ عَلَيْهِ السَّلَامُ أَنْ قَالَ يَا عَلِيُّ أَوْصِيكَ فِي نَفْسِكَ بِخَصَالٍ

درس خارج فقه آیت الله سیفی مازندرانی، تاریخ: ۱۴۰۳/۸/۶

فَأَحْفَظْهَا عَنِّي ثُمَّ قَالَ اللَّهُمَّ أَعِنِّهِ إِلَى أَنْ قَالَ وَ السَّادِسَةُ الْأَخْذُ بِسُنَّتِي فِي صَلَاتِي وَ صَوْمِي وَ صَدَقْتَنِي أَمَّا الصَّلَاةُ فَالْخَمْسُونَ رَكْعَةً الْحَدِيثُ^۱.

در ذیل این صحیح آمده که تعداد نمازهای واجب و نافله پنجاه رکعت است، بنابراین از نظر دلالت مانند معتبره سلیمان است.

همان حرفی که در آنجا زده بودیم را در اینجا هم می زنیم، یعنی می گوئیم که وتیره از نوافل بالذات نیست، ولی بالعرض از نوافل به حساب آمده است.

کیفیت اقامه نماز وتیره

در ذیل معتبره سلیمان آمده بود که خواندن نماز وتیره به صورت ایستاده افضل است.

روایت دیگری داریم که صحیح حارث بن مغیره نصری است که از آن، جواز اقامه وتیره به شکل ایستاده استفاده می شود.

صحیح حارث بن مغیره نصری

و عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ يَحْيَى عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدٍ عَنْ عَلِيِّ بْنِ حَدِيدٍ عَنْ عَلِيِّ بْنِ النُّعْمَانِ عَنِ الْحَارِثِ بْنِ الْمُغِيرَةِ النَّصْرِيِّ قَالَ سَمِعْتُ أَبَا عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ يَقُولُ: «صَلَاةُ النَّهَارِ سِتُّ عَشْرَةَ رَكْعَةً ثَمَانٍ إِذَا زَالَتِ الشَّمْسُ - وَ ثَمَانٍ بَعْدَ الظُّهْرِ وَ أَرْبَعُ رَكَعَاتٍ بَعْدَ الْمَغْرِبِ - يَا حَارِثُ لَا تَدْعُهُنَّ فِي سَفَرٍ وَ لَا حَضَرٍ - وَ رَكَعَتَانِ بَعْدَ الْعِشَاءِ الْآخِرَةِ - كَانَ أَبِي يُصَلِّيهِمَا وَ هُوَ قَاعِدٌ وَ أَنَا أُصَلِّيهِمَا وَ أَنَا قَائِمٌ وَ كَانَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَ آلِهِ يُصَلِّي ثَلَاثَ عَشْرَةَ رَكْعَةً مِنَ اللَّيْلِ»^۲.

تعبیر «نصری» که در سند آمده است درست نیست و باید «نصری» باشد.

^۱ وسائل الشیعة، الشیخ الحر العاملي، ج ۳، ص ۳۱، أبواب اعداد الفرائض، باب ۱۳، ح ۱، ط الإسلامية.

^۲ وسائل الشیعة، الشیخ الحر العاملي، ج ۳، ص ۳۳، أبواب اعداد الفرائض، باب ۱۳، ح ۹، ط الإسلامية.

درس خارج فقه آیت الله سیفی مازندرانی، تاریخ: ۱۴۰۳/۸/۶

امام صادق علیه السلام می فرمایند که پدرم و تیره را نشسته می خواندند، ولی من ایستاده می خوانم.

ممکن است کسی بر اساس ظاهر عبارت، خیال کند که امام دو رکعت را ایستاده می خوانده اند، ولی در واقع چنین نیست، و این خلاف ظاهر است، و به قرینه نصوص دیگر می دانیم که دو رکعت نشسته معادل با یک رکعت ایستاده است، بنابراین مقصود حضرت این است که پدرم دو رکعت نشسته می خواند و من یک رکعت ایستاده می خوانم.

قبلاً گفتیم که بین معتبره سلیمان و نصوص دیگر تعارض وجود دارد، چون در همه نصوص آمده که و تیره نشسته خوانده می شود، ولی معتبره سلیمان می گوید که ایستاده افضل است. آیا می توان گفت که ایستاده نماز خواندن افضل باشد ولی در تمام آن نصوص به نشسته نماز خواندن امر شده باشد؟!

معلوم است که چنین مطلبی پذیرفته نیست و به همین دلیل است که گفتیم این نصوص با معتبره سلیمان تعارض و تنافی دارند.

اما در صحیح حارث حرفی از افضلیت نیست و فقط جواز ایستاده نماز خواندن ذکر شده است، بنابراین تعارضی بین صحیح حارث و سایر روایاتی که نشسته خواندن را بیان کرده بودند نیست، و به همین دلیل است که قائل به تخییر بین ایستاده و نشسته خواندن می شویم.

البته ممکن است کسی بگوید که صحیح حارث نیز نماز ایستاده را افضل می داند، و از این جهت مانند معتبره سلیمان است، به این تقریب که امام صادق علیه السلام همان نماز افضل یعنی ایستاده را می خواندند، ولی حضرت باقر علیه السلام به خاطر اینکه سنگین وزن بودند و ایستاده نماز خواندن برای ایشان مشقت داشت، به همین دلیل نشسته می خواندند، بنابراین ثابت می شود که ایستاده نماز خواندن افضل است ولی حضرت به خاطر عذری نشسته نماز می خواندند.

به نظر ما این حرف درست نیست. و چنین حرفی با ظاهر آن روایاتی که نماز را نشسته بیان کرده بودند سازگار نیست، چون طبق این تفسیر، باید بگوییم که نشسته خواندن فقط برای معذورین است، ولی لسان آن روایات به این شکل نبود و ابتدائاً گفته بود که و تیره را نشسته بخوانند.

درس خارج فقه آیت الله سیفی مازندرانی، تاریخ: ۱۴۰۳/۸/۶

البته در موثقہ حنان بن سدیر نیز به این مطلب اشاره شده که حضرت باقر علیه السلام به خاطر عذر، نوافل را نشسته می خواندند.

موثقہ حنان بن سدیر

مُحَمَّدُ بْنُ يَعْقُوبَ عَنْ عَلِيِّ بْنِ إِبرَاهِيمَ عَنْ أَبِيهِ عَنْ حَنَانِ بْنِ سَدِيرٍ عَنْ أَبِيهِ قَالَ: «قُلْتُ لِأَبِي جَعْفَرٍ عَلَيْهِ السَّلَامُ أَتُصَلِّي النَّوَافِلَ وَأَنْتَ قَاعِدٌ فَقَالَ مَا أَصْلِيهَا إِلَّا وَأَنَا قَاعِدٌ مُنْذُ حَمَلْتُ هَذَا اللَّحْمَ وَبَلَغْتُ هَذَا السِّنَّ».^۳

به نظر ما این روایت هم نمی تواند افضلیت ایستاده خواندن وتیره را ثابت کند. چون اگر بگوییم که دلالت بر ایستاده خواندن وتیره دارد، در این صورت با آن روایات مشهوره تعارض می کند، و باید آنها را مقدم کنیم. چون همه آنها امر به نشسته خواندن کرده اند و اصلاً متعرض ایستاده خواندن نشده اند. و اصلاً سازگاری ندارند که برای معذورین بیان شده باشند، چون ابتدائاً امر کرده اند که نشسته خوانده شود.

به هر حال اگر روایتی دلالت بر این داشته باشد که ایستاده خواندن وتیره افضل است، با روایات مشهوره تعارض می کند و باید آنها کنار بگذاریم و روایات مشهوره را مقدم کنیم. ولی اگر روایتی داشته باشیم که اصل جواز ایستاده خواندن را بیان کند، مثل همین صحیحہ حارث بن مغیره، در این صورت قائل به تخییر می شویم. یعنی مکلف مخیر است که اگر خواست، وتیره را ایستاده بخواند و اگر خواست نشسته بخواند. و بعید نیست که بگوییم در چنین صورتی نشسته خواندن افضل است، چون روایات مشهوره دلالت بر نشسته خواندن داشتند.

بنابراین به نظر ما مکلف مخیر است که وتیره را ایستاده یا نشسته بخواند، چون ایستاده خواندن در روایت آمده است و اصحاب هم از آن اعراض نکرده اند و برخی به آن فتوا داده اند.

وقت نافله صبح

وسائل الشیعة، الشیخ الحر العاملي، ج ۴، ص ۶۹۶، أبواب القيام، باب ۴، ح ۱، ط الإسلامیة. ۳

درس خارج فقه آیت الله سیفی مازندرانی، تاریخ: ۱۴۰۳/۸/۶

چهار روایت داریم که وقت نافله صبح را قبل از فجر اول می دانند، یکی موثقه ابی بصیر است و سه روایت دیگر نیز وارد شده است.

دو صحیحیه از زراره داریم که امام علیه السلام در آنها فرموده است که وقت نافله، قبل از فجر است، چون بعد از آن وقت فریضه آغاز می شود. بنابراین معلوم است که مراد از فجر در اینجا همان فجر صادق است.

ممکن است کسی تصور کند که این دو روایت با چهار روایت اول در تضاد هستند، چون این دو روایت، وقت نافله صبح را قبل از فجر صادق می داند، ولی چهار روایت، قبل از فجر اول می دانند.

به نظر ما اینطور نیست، و حضرت در حقیقت می خواهند اهل عامه را رد کنند، زیرا عامه قائل هستند که وقت نافله صبح بعد از طلوع فجر است، و این دو روایت می خواهند این مطلب را رد کنند.

یعنی این دو روایت اصلاً در مقام بیان این نیستند که ابتدای وقت نافله صبح، قبل از فجر صادق است، بلکه در مقام بیان این مطلب هستند که بعد از فجر صادق نیست. چون لسان این روایات به این شکل است که می گویند بعد از طلوع فجر صادق، وقت نماز واجب فرا رسیده و دیگر جای نافله نیست. بنابراین دلالت دارند که مبدأ نافله صبح، بعد از طلوع فجر دوم نیست. اما چند روایت هم داریم که وقت نافله صبح را بعد از فجر صادق دانسته اند.

صحیحیه عبدالرحمن

وَعَنْهُ عَنْ صَفْوَانَ وَابْنِ أَبِي عُمَيْرٍ عَنْ عَبْدِ الرَّحْمَنِ بْنِ الْحَجَّاجِ قَالَ: قَالَ أَبُو عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ: «صَلَّيْهُمَا بَعْدَ مَا يَطْلُعُ الْفَجْرُ».^٤

صحیحیه یعقوب بن سالم

وَعَنْهُ عَنِ ابْنِ مُسْكَانَ عَنْ يَعْقُوبَ بْنِ سَالِمٍ الْبَرَّازِ قَالَ: قَالَ أَبُو عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ: «صَلَّيْهُمَا بَعْدَ الْفَجْرِ وَاقْرَأْ فِيهِمَا فِي الْأُولَى قُلْ يَا أَيُّهَا الْكَافِرُونَ وَفِي الثَّانِيَةِ قُلْ هُوَ اللَّهُ أَحَدٌ».^٥

^٤ وسائل الشیعة، الشیخ الحر العاملي، ج ٣، ص ١٩٤، أبواب المواقيت، باب ٥١، ح ٥، ط الإسلامية.

^٥ وسائل الشیعة، الشیخ الحر العاملي، ج ٣، ص ١٩٤، أبواب المواقيت، باب ٥١، ح ٦، ط الإسلامية.

صحیحه سلیمان بن خالد

وَإِسْنَادُهُ عَنِ الْحُسَيْنِ بْنِ سَعِيدٍ عَنِ النَّضْرِ عَنْ هِشَامٍ عَنْ سُلَيْمَانَ بْنِ خَالِدٍ قَالَ: «سَأَلْتُ أَبَا عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ عَنِ الرَّكَعَتَيْنِ قَبْلَ الْفَجْرِ قَالَ تَزَكُّهُمَا حِينَ تَتَرَكُّ الْعَدَاةَ إِنَّهُمَا قَبْلَ الْعَدَاةِ».^٦

معتبره حسین بن ابی العلاء

وَ عَنْهُ عَنِ الْقَاسِمِ بْنِ مُحَمَّدٍ عَنِ الْحُسَيْنِ بْنِ أَبِي الْعَلَاءِ قَالَ: «قُلْتُ لِأَبِي عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ الرَّجُلُ يَقُومُ وَ قَدْ نَوَّرَ بِالْعَدَاةِ قَالَ فَلْيُصَلِّ السَّجْدَتَيْنِ اللَّتَيْنِ قَبْلَ الْعَدَاةِ ثُمَّ لْيُصَلِّ الْعَدَاةَ».^٧

صحیحه ابی بکر حضرمی

وَإِسْنَادُهُ عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدٍ بْنِ عِيْسَى عَنْ عَلِيِّ بْنِ الْحَكَمِ عَنْ سَيْفٍ عَنْ أَبِي بَكْرٍ الْحَضْرَمِيِّ قَالَ: «سَأَلْتُ أَبَا عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ فَقُلْتُ مَتَى أَصْلِي رَكَعَتَيِ الْفَجْرِ فَقَالَ حِينَ يَغْتَرِضُ الْفَجْرُ وَهُوَ الَّذِي تُسَمِّيهِ الْعَرَبُ الصَّدِيعَ».^٨

همه این نصوص بیان می کنند که نافله صبح بعد از طلوع صادق خوانده می شود.

محملی که برای این روایات وجود دارد این است که یا باید این روایات را حمل بر تقیه کنیم و یا اینکه بگوییم در مورد کسی هستند که نافله را به هر دلیلی نخوانده است و الان فجر صادق سرزده است، که در چنین حالتی نافله صبح را بعد از فجر صادق می خواند.

وسائل الشیعة، الشیخ الحر العاملي، ج ۳، ص ۱۹۳، أبواب المواقیت، باب ۵۱، ح ۲، ط الإسلامية. ۶

وسائل الشیعة، الشیخ الحر العاملي، ج ۳، ص ۱۹۳، أبواب المواقیت، باب ۵۱، ح ۴، ط الإسلامية. ۷

وسائل الشیعة، الشیخ الحر العاملي، ج ۳، ص ۱۹۴، أبواب المواقیت، باب ۵۱، ح ۱۰، ط الإسلامية. ۸